

فاطمیه؛ فصل احیای حیا



حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

یکی از ویژگی های اصلی ایام عزاداری که شاید حکمت اصلی این ایام هم باشد، این است که بتواند مدعیان پیروی از اهل بیت^(ع) را در مسیری که باید قرار بدهد و در کژی ها و انحراف ها، آنان را در این شیعه بودن و پیروی اصلاح کند و در این میان، فاطمیه باید پرچمدار احیای حیا باشد.

برای روشن ترشدن موضوع باید گفت ماعادت کرده ایم که همیشه کار آسان تر را در انجام وظایف انتخاب کنیم، حتی در ابراز دلدادگی مان به اهل بیت^(ع) آنچه دلمان می خواهد، انجام می دهیم نه آنچه ایشان می خواهند. این یک نکته بسیار ظریف است که باید به آن توجه کنیم. آیا گرمیادشت یاد فاطمه^(س) تنها به برگزاری مجالس سوگواری آن حضرت است یا ایشان انتظار بیشتری از ما دارند؟

اگر فقط برگزاری مجالس سوگواری موجب گرمیادشت صدیقه طاهره است، چرا با توجه به اینکه مجالس سوگواری و یاد ایشان هر سال بیشتر از گذشته است، تصویر فاطمه رفته رفته در دل های زنان ما و در فضای عمومی جامعه ما، کم رنگ و کم رنگ تر می شود؟ در زمانی نه چندان دور نام فاطمه و زهرا اولین نامی بود که در هر خانواده ایرانی با افتخار برای نام گذاری دختران مطرح می شد اما الان آمار چگونه است؟ و بالاتر از آن، زمانی نام فاطمه برای زنان ما الهام بخش و طنین انداز حجاب و حیای فاطمی بود، اما الان هر روز دارد حجاب فاطمی در جامعه ما کم رنگ و کم رنگ تر می شود و باید در این ایام به فکر علاج این درد بود.

درواقع باید گفت احیا کردن و بزرگداشت نام و یاد فاطمه^(س) به احیای فرهنگ فاطمی است، همان چیزی که امروز دارد چونان خود فاطمه هر روز در جامعه ما مظلوم و مظلوم تر می شود. شعار فاطمه^(س) این است: خوشا به حال آن زنی که نه او نامحرمی را ببیند و نه نامحرمی او را. حضرت تلاش ما را در این مسیر می خواهد. دهه فاطمیه باید نماد تلاش و فرهنگ سازی ما در این عرصه زهرایسند باشد.

این زنان و دختران کوچ و بازار کسی غیر از خانواده خود ما نیستند. خانواده بسیاری از ما. کسانی که دم از فاطمه می زنند، آن چنان رنگ و بویی از فرهنگ فاطمی ندارند. جدا از مبحث امریه معروف و نهی از منکر، دستور اولیه و ابتدایی، حفظ خود و خانواده خود است که قرآن می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَفُوا أَفْئُسْكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛ یعنی اول خود و خانواده خود را در آید! این رویه بسیار اشتباه است که دهه فاطمیه بیاید و برود و ما عزاداری او را انجام دهیم و خود را محب و دلدادۀ او بدانیم، ولی باز با گذشت این ایام در فرهنگ حجاب و حیای زنان و مردان ما هیچ تأثیر و تأثر نمایانی حاصل نشود؛ این کدام فرهنگ فاطمی است که حجاب ندارد؟ این کدام فاطمیه است که با بی حجابی، کاری ندارد؟ همان فاطمه ای که حتی روضه شهادتش نیز لیز از درس حیا و عفاف است، آنجا که روزهای پایانی عمر کوتاهش، تابوتی سفارش می دهد که حجم بدن او در هنگام تشییع جنازه نمایان نباشد.

تصور فاطمه زهرا^(س) بدون تصور حیا و حجاب، ناممکن است. مجلس روضه حضرت زهرا^(س) مجلس ذکر حیاست، مجلس احیای حجاب است. که اگر این گونه نیست، باید بدانیم یک جای کار ایراد دارد؛ یا تصور ما از فاطمه اشتباه است و او را نمی شناسیم و برای فاطمه دیگری اشک می ریزیم و گریه می کنیم، یا اینکه این ابراز ارادت ها و گرمیادشت های ما برای مادر سادات، ناقص است و مورد رضای او و سبب اصلاح ما نیست؛ چرا که آن فرهنگ فاطمی که حجاب ندارد؛ یا اینکه با بی حجابی می سازد، فاطمه ای است که تنها در اسلام آمریکایی تعریف شدنی است؛ همان اسلامی که هیچ چیز ندارد جز یک نام.

بردار و بخوان

زن در ادیان و مکاتب

باورهای دین اسلام در مورد زن و جایگاه و شأن او نظریه ای ابداع کرده است که از روزی که جنس بشر پا به عرصه دنیا گذاشت تا آن روز، چنین طرز تفکری در مورد زن وجود نداشته است. دین مبین اسلام در این نظریه خود، با تمام مردم جهان که شأن و منزلت زنان را به درستی درک نکرده اند و متناسب با خلقت ایشان با آنان رفتار نمی کنند، دارفاده است و زن را آن طور که هست و بر آن اساسی که آفریده شده، به جهان معرفی کرده است، اصلی که به دست بشر، منهدم و آثارش نیز محو شده بود. اسلام عقاید و آرایبی را که مردم درباره زن داشتند و رفتاری را که عملا با زن می کردند، بی اعتبار کرد و خط بطلان بر آن ها کشید.

قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می فرماید: که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده ایم. قرآن درباره حضرت آدم^(ع) می گوید: «همه شما را از یک پدر آفریدیم و جفت آن پدر را از جنس خود او قرار دادیم.» (سوره نساء، آیه یک).

دین و مفاهیم و آموزه های آن، نقش مهمی در هویت بخشی، حقوق و سرنوشت زنان در طول تاریخ داشته است و مطالعه در حوزه زنان و خانواده بدون بررسی آموزه ها و نگرش های دینی، ناکافی و بی سرانجام است. کتاب امروز «زن در ادیان و مکاتب» نام دارد. در این اثر، مقالاتی از استادان متخصص به رشته تحریر درآمده است که به موضوع فوق پرداخته اند و می تواند برای دانشجویان رشته مطالعات زنان، مفید باشد.

این اثر که انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب منتشر کرده است، اثری جامع و علمی درباره نقش و جایگاه زنان در ادیان و مکاتب فلسفی مختلف است. کتاب یادشده در تابستان ۱۴۰۳ در ۵۵ صفحه و قطع رقیعی منتشر شده است و شامل مقالاتی از استادان و محققان برجسته این حوزه است.

این کتاب، حاصل همکاری نویسندگان و پژوهشگران برجسته ای است که هریک در زمینه تخصصی خود مقالاتی، ارزشمند ارائه کرده اند. برخی نویسندگان و مقالات این مجموعه عبارت اند از: دکتر صادق آیینیه وند؛ استاد برجسته تاریخ اسلام و از پایه گذاران رشته مطالعات زنان و خانواده در ایران. دکتر کنایون مردابور؛ زبان شناس و پژوهشگر زبان های باستانی ایران با مقاله ”زن در دین زرتشت“. دکتر محمد شکری قومشی؛ پژوهشگر حوزه ایران باستان و مانویت با مقالات ”مریم مجدلیه و گرایش زنان به مانویت“ و ”نیوشایگان وبرگزیدگان زن مانوی“. دکتر محمدروحانی؛ پژوهشگر حوزه هندوئیسم با مقاله ”زن در آیین هندو“. دکتر مریم نصرصفهانی؛ پژوهشگر فلسفه و زن با مقاله ”اگر حقیقت زن باشد، چه؟ زن در اندیشه فیلسوفان غربی“. دکتر علیرضا ابراهیم؛ پژوهشگر حوزه ادیان و عرفان با مقاله ”زن در عرفان و تصوف“. دکتر سیده سارا کشفی؛ پژوهشگر حوزه ادیان و عرفان با مقاله ”زن در اسطوره ها و نمادها“. دکتر بهروز حدادی؛ نویسنده، مترجم و ویراستار علمی این مجموعه با مقالاتی درباره نقش زنان در یهودیت، مسیحیت و تحولات پروتستانی.

از مقدمه کتاب:

در این کتاب به اهمیت نقش ادیان و مکاتب فلسفی در تحولات اجتماعی و سیاسی اقوام مختلف اشاره شده است. نگرش ادیان و مکاتب به موضوع زنان، نیز یکی از موضوعات مهمی است که همواره مورد توجه محققان بوده است. کتاب ”زن در ادیان و مکاتب“ تلاشی است برای فهم بهتر مسئله زنان از منظر ادیان و مکاتب فلسفی، و شامل مجموعه ای از مقالات و دست نوشته های استادان و نویسندگان برجسته در این حوزه است.

این کتاب، نتیجه تلاش های فکری تعدادی از اهل قلم و اندیشه است که آثار ارزشمند خود را در این مجموعه ارائه کرده اند. از جمله استادان برجسته ای که آثارشان در این کتاب آمده است، می توان به دکتر صادق آیینیه وند اشاره کرد که از پایه گذاران رشته مطالعات زنان و خانواده در ایران بوده است.



شهریار
اخبار
۱۴۰۳
۱۱
۱۳
۱۳۴۳

۱۴



آمنه مستقیمی! نه فقط شیعه بین خود و حضرت زهرا^(س) رابطه مادر و فرزندی قائل است و صدیقه طاهره^(س) را مادر خطاب می کند، بلکه اهل سنت و پیروان دیگر ادیان نیز معترف به نقش و جایگاه ایشان در عالم امکان هستند و بزرگان آن ها، بارها در وصف آن یگانه بانوی هستی لب به تحسین و ابراز شگفتی گشوده اند. در گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین ابراهیم بهاری، استاد حوزه و دانشگاه و کارشناس مذهبی، به برخی جلوه های عظمت فاطمی پرداخته ایم.

فاطمه^(س)؛ الهام بخش نویسندگان

وجود مبارک و شخصیت منحصر به فرد حضرت فاطمه زهرا^(س) و دفاع ایشان از امیرالمؤمنین^(ع) و ولایت غصب شده حضرت، جای واکاوی و بررسی بسیار دارد. بعد از شهادت این بزرگوار طی ۱۲۰۰ سال گذشته، زندگی دختر پیامبر^(ص) به شیوه های مختلف مورد بررسی پژوهشگران، نویسندگان، علما و حتی منتقدان اسلام قرار گرفته است. در بخش اول زندگی فردی حضرت فاطمه زهرا^(س) بررسی شده است. در بخش دوم زندگی اجتماعی و در بخش سوم، زندگی سیاسی آن بانوی بزرگوار اسلام بررسی شده است.

بر سر حق ایستاد و به آن رسید

سلیمان کتانی، از اندیشمندان مسیحی، کتابی نوشته است به نام «فاطمه زهرا؛ زهی در نیام» و در معرفی حضرت صدیقه^(س) در این کتاب می نویسد: «فاطمه زهرا شخصیت بی نظیری دارد» و صدیقه کبری^(س) را با عبارت «شخصی بزرگ با دایره عقلی وسیع» معرفی می کند. وی در ادامه می نویسد: حضرت زهرا^(س) با وجود آنکه قدرت نظامی و حکومتی نداشتند، یک قهرمان بودند و تا پایان بر حق مسلم خود ایستادگی کردند و به آن حق نیز دست یافتند. شاید در آن زمان، این گونه تصور نمی شد اما تاریخ امروز آن را نشان می دهد. نویسندگان دیگری نیز با این تفکر در دنیای مسیحیت داریم.

حلقه وصل امامت و ولایت با نبوت

در دنیای اهل سنت نیز شخصی به نام محمد عبدالیمانی از عربستان سعودی کتابی با عنوان «اِنَّها فاطمه الزهراء» نوشته است. وی در مقدمه این کتاب آورده است: ببینید این فاطمه دختر کیست، مادر کیست، همسر کیست؟ در واقع وی در این کتاب حضرت زهرا^(س) را از سه جنبه یعنی ارتباط با پیامبر^(ص)، امیرالمؤمنین^(ع) و حسنین^(ع) بررسی می کند و در معرفی حضرت فاطمه^(س) ایشان را حلقه اتصال بین پیامبر^(ص)، امام علی^(ع) و حسنین^(ع) معرفی می کند؛ یعنی حلقه وصل امامت و ولایت با نبوت! این نویسنده در ادامه می نویسد چه کسی را در این عالم پیدا می کنید که به این مقام او برسد؟

محبت مادرانه برای امت

امام صادق^(ع) می فرمایند: «شیعه ما می تواند مادر ما را، مادر بخواند». سپس می فرمایند، «حضرت زهرا^(س) زمانی که داشتند چشم از این جهان فرو می بستند، به امیرالمؤمنین^(ع) عرض کردند: «سلام مرا به همه دوستان اران فرزندان من برسان!». این ها او محبت مادرانه در حق امت است. مهم آنکه امروز هم مظلوم عالم در مقاومت و ایستادگی، چشمشان به حضرت زهرا^(س) است و همان طور که آن حضرت پیروز حقیقی تاریخ شدند، برای جبهه مقاومت هم این پیروزی حقیقی و نهایی رقم خواهد خورد.

جلوه های عظمت پاره تن رسول خدا در گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین بهاری

حضرت فاطمه^(س)، حلقه وصل نبوت و امامت

شفای عالم اهل سنت با توسل به فرزند فاطمه^(س)

نویسنده اهل سنت دیگری به نام مؤمن بن حسن شبلنجی (اهل شهری کوچک نزدیکی قاهره) نیز کتابی درباره معصومان^(ع) منتشر کرده است. وی در مقدمه کتاب خود، خاطره ای درباره بیماری چشم خویش روایت می کند و اینکه پزشک به او گفته بود چشم هایش از دست خواهد رفت... وی می گوید من پس از آن، کنار قبر نفیسه خاتون^(س) رفتم و متوسل به ایشان شدم و عرض کردم: تو دختر پیغمبری؛ اگر مشکل چشم من را برطرف کنی و برای شفای من واسطه شوی، من یک کتاب در شان شمامی نویسم، همان طور که می دانید، نفیسه خاتون، نوه امام حسن مجتبی^(ع) و عروس امام صادق^(ع) است.

شیخ عباس قمی در سفینه البحار در معرفی این بانو می نویسد که وی ۶ هزار بار قرآن را ختم کرد و یازبان روزه از دنیا رفت. نفیسه خاتون و حضرت عبدالعظیم حسنی از یک طایفه هستند. جد ایشان زید بن حسن^(ع) است. شبلنجی شافعی پس از زیارت نفیسه خاتون شفا یافت و به وعده خود عمل کرد و کتابی به نام «نور چشم ها» در مناقب اهل بیت^(ع) نوشت. وی در این کتاب درباره امیرالمؤمنین^(ع)، امام حسن^(ع)، امام حسین^(ع)، امام صادق^(ع) و حتی حضرت سکینه^(س) و حضرت زینب^(س) مطالبی را آورده است.

آزار فاطمه^(س)، یعنی آزار پیامبر^(ص)

روزی پیامبر^(ص) در حالی که دستان حضرت فاطمه^(س) را گرفته بودند، از خانه بیرون آمدند و به مردم فرمودند: «بدانید این دختر من فاطمه است، هر که او را اذیت کند، من را اذیت کرده است و هر که مرا اذیت کند، خدا را اذیت کرده است و من از او بیزارم». نویسندگان زیادی اعم از شیعه و سنی، از زندگی حضرت فاطمه زهرا^(س) روایت کرده اند و همه آن ها عالی ترین مقام و درجات را برای این بانوی بزرگوار برشمرده اند.

اسناد مظلومیت زهرا^(س)ی مرضیه^(س)

اگر زندگی حضرت زهرا^(س) را به خوبی واکاوی کنیم، در خواهیم یافت که حضرت موارث ماندگاری را به جا گذاشته اند؛ مثلا مخفی بودن قبر ایشان یا پنهان ماندن تاریخ دقیق شهادتشان. همین در ابهام ماندن، سند مظلومیت زهرا^(س)ی مرضیه^(س) است؛ اینکه ایشان خواسته اند قبرشان تا قیامت مخفی باشد، خود نشان از این دارد که حضرت در چه مظلومیت و غربتی بوده اند اما حضرت زهرا^(س) با همه دردهایی که کشیدند، مقتدر هستند. بیت الاحزان ایشان خراب شد، فرزند شان فدا شد، ارث پدری شان غصب شد، اما با وجود همه این مظلومیت ها، مقتدر بودند و نشان دادند که با یک گل هم بهار می شود.



حجت الاسلام والمسلمین بهاری؛ پیامبر^(ص) در حالی که دستان حضرت فاطمه^(س) را گرفته بودند، از خانه بیرون آمدند و به مردم فرمودند: «بدانید این دختر من فاطمه است، هر که او را اذیت کند، من را اذیت کرده است و هر که مرا اذیت کند، خدا را اذیت کرده است و من از او بیزارم

روشنا

صدقه دادن ۱۰ حسنه، قرض دادن ۱۸ حسنه، رابطه با برادران [دینی] ۲۰ حسنه و صلہ رحم ۲۴ حسنه دارد. کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۴، ص ۱۰

قصص قرآنی

شیطان هم این وسط هیزم در آتش حسادت آن ها می ریخت و امان از روزی که انسان نداند اسیر شیطان شده است؛ حالا همه چیز آماده بود و تصمیمشان قطعی.

اما خدا دل یوسف را به آینده دلگرم کرد، به روزی که دوباره آن ها را می بیند: «فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْمَعُوا أَن يَجْعَلُوهُ فِي غُبَاتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (یوسف، ۱۵).

یوسف را به چاه انداختند و شب گریه کنان پیش پدر رفتند؛ «وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ» (یوسف، ۱۶).